

تغیر جاهل

۴. تغیر جاهل [۱]

تغیر و فریب دادن دیگری به یکی از سه صورت زیر است:

الف) تغیر در معارف حقّه الهیّه ؛ برای مثال کسی مسئله معاد یا امامت که واجب است مکلف درباره آن معرفت صحیح داشته باشد، به شکل غلط به دیگری بگوید حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۷۵، ص ۴)

نکته

گاهی بیان سست و دفاع ناقص از یک حقیقت، مشمول همین تغیر جاهل است ؛ چراکه این دفاع موهن، مثل حمله به آن حقیقت است. از این رو سخن باید متقن باشد و اگر درباره مطلبی شک داریم، آن را بیان نکنیم. (مکاسب محرّمه، ج ۷۵، ص ۶)

تغیر در اثر جهل به حکم شرعی ؛ در چنین جایی افزون بر اعتقاد باطل، مفسده عملی هم در پی دارد ؛ چنان که انسانی در باب نماز، روزه یا حج، امری خلاف واقع به مخاطب بگوید، که در این صورت، هم باور اشتباه در او به وجود می آید و هم عملش باطل و فاسد می شود حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۷۵، ص ۶)

ج) تغیری که ناشی از جهل به موضوع است ؛ مثلاً در جایی که شخصی با تغییر دادن عنوان موضوع یا به هر نحو دیگر، موضوع حکم شرعی را طوری در اختیار دیگری گذارد که او مرتکب حرام شود ؛ یعنی عمل یا گفتار غار [۲] باعث ارتکاب حرام در مغرور [۳]، شود. چه این تأثیرگذاری، به صورت علیّت یا سببیت و یا شرطیت [۴] باشد. حرام است. (مکاسب محرّمه، ج ۷۶، ص ۸۰)

[۱]. تغیر جاهل، یعنی کسی را به کمک جهالت خود او در ورطه گناه افکندن.

[۲]. فریب دهنده

[۳]. فریب خورده

[۴]. تفاوت سبب و شرط در این است که تأثیر سبب در پیدایش مسبب از نوع تأثیر علت در تحقق معلول است. اما تأثیر شرط، تأثیر علت نیست ؛ ایجاد زمینه است تا اینکه مسبب از علت تولید شود. یک اوضاع و احوال را به وجود می آورد تا آن سبب بتواند در تحقق مسبب تأثیر گذارد ؛ مثلاً در اعتباریات، صیغه بیع، ایجاب و قبول، سبب تحقق بیع در عالم اعتبار است. ولی شرطش این است که متعاقبین، عاقل، بالغ و مرید باشند. کمال طرفین به عقل و بلوغ، شرط تأثیر عقد ایجاب و قبول برای ایجاد ملکیت است.